

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۰۲ جولای ۲۰۲۴



تداوم انقیاد، تسلیم طلبی و خیانت "اعلامیه ویژه" نویسان تحت نام و آرم «ساما» (۱۳)

"امارت دوم طالبانی"، موضع تسلیم طلبانه و اغتشاش آفرینی اعلامیه نویس در مسأله:

چرند نویس تسلیم طلب، مثل موارد انحرافی قبلی در قبال پدیده طالبان، جنایات آن، روابط بیرونی و کاراکتر طبقاتی آن دچار همان انحراف تسلیم طلبانه ملی دو دهه قبل شده و با اغتشاش آفرینی در مورد رابطه پیدا و پنهان طالبان با خداوندگار امپریالیستی که ولینعمتان اعلامیه نویس و شرکاء نیز هستند، تلاش می ورزد به رغم واقعیت ها در مورد تداوم این رابطه نیروی طالبی برخاسته از "گورستان قرون وسطائی" با امپریالیست های امریکا و شرکاء، به غلط می پندارد که پاکستان چنان در امور کشور ما دست بالا دارد که گویا "سایر بازیگران دخیل در قضیه افغانستان [به شمول امپریالیسم امریکا] ملزم به پذیرش این نقش و موقعیت بوده اند".

در تسلیم نامه اعلامیه نویس در خصوص "قرون وسطائی" صرف نامیدن طالبان چنین نگرش سخیف و یکجانبه وجود دارد:

"سیاست جلوگیری مستبدانه و جنون آمیز از فرهنگ مترقی و مدرن و محروم ساختن نیمی از نفوس کشور از حقوق اساسی، اولیه و به خصوص حق ادامه تحصیل زنان؛ همه و همه در راستای پلان و نیت بازگشت جامعه به قهقرا، عقب ماندگی و زندگی در گورستان قرون وسطی قرار دارد که در تقابل با روند پیش رونده جهان مدرن، دستاورد ها و ضروریاتش، زور آزمایی لجوجانه ای را بازتاب می دهد!" - [ویراستاری نشده-پورتال]

"در جغرافیایی با این مشخصه ها بازیگران خارجی می توانند به آسانی برنامه ها، اهداف و پروژه های شان را به اجرا گذارند. در نخست امتیاز مدیریت میدانی را همواره ارتش پاکستان و ISI برای خود محفوظ داشته، سایر

بازیگران دخیل در قضیه افغانستان ملزم به پذیرش این نقش و موقعیت بوده اند! به همین دلیل امروز کشور ما بار دیگر از حق داشتن استقلال واقعی، آزادی در تعیین سرنوشت سیاسی و خود ارادیت ملی محروم گشته، جای اشغال با شیوه و مضمون مدرن را اشغال در نوع وحشی و قرون وسطایی گرفته است." - [ویراستاری نشده - پورتال]

در کلیت بحث انحرافی "اعلامیه ویژه" پیرامون طالبان و به خصوص در این دو فراز نقل شده در فوق با ترمینولوژی غیرطبقاتی غیرمرسوم در ادبیات سامانی و معرفی طالبان به طور عمد به مثابه "نیروی قرون وسطایی لاجوج"، انکار ماهیت دلالی طالبان، در هم تنیدگی شان با تار و پود سرمایه غارتگر مالی و بسته بودن دست و پای آن با رشته های مرئی و نامرئی قوانین و الزامات گردش سرمایه مالی و منطق سود آفرینی آن به صورت دیکته های بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، مد نظر است. از جانب دیگر، "اعلامیه ویژه" تسلیم طلبی با برجسته ساختن نقش دولت و سازمان استخبارات نظامی پاکستان بر روی سیاست های خارجی و داخلی طالبان مثل (گرایش به سوی محور و ائتلاف امپریالیستی - ارتجاعی شرقی و رویکرد های تمامیتخواهی ایدئولوژیک - سیاسی و شوونیسم جنسیتی - قومی طالبان) به رغم میل و منافع امپریالیسم امریکا تا آن حدی که امریکا " ملزم به پذیرش این نقش و موقعیت برتر پاکستان" باشد و امپریالیسم امریکا نیز به گل روی پاکستان تمایلی به کنترل و مهار لجام گسیختگی و تحرکات مخالف این نیروی مزدور قراردادی و نیابتی با ابزار و هرم های فشار سیاسی، مالی، اطلاعاتی، نظامی و دیپلماتیک، نداشته باشد، منظور خاصی دارد. هدف اعلامیه نویس رسوا این است تا هر گونه پیوندی میان خالق امریکائی و مخلوق طالبانی به عنوان پروژه ای اصالتاً نواستعماری غربی و عمدتاً امریکائی، تمهیدات سپردن قدرت به طالبان از کانال دوحه، سپردن میلیارد ها دالر جنگ ابزار و ادوات دولت پوشالی و ادامه تماس های سیاسی - استخباراتی مستقیم با دفتر نمایندگان طالبان در دوحه و سرانجام ساختن کمک های سرشار مالی و سر پا نگهداشتن اداره خون آشام طالبان به رغم جنایات گسترده و هولناک آنان در حق مردم افغانستان، نقش امپریالیست های امریکا و شرکاء در جنایات هول انگیز طالبان در حق زنان و مردان مظلوم کشور و سائر علایق و منافع مشترک استعماری - ارتجاعی، را انکار ورزد.

واقعیت طالبان این است که این نیروی ارتجاعی و بیگانه با منافع ملی و تاریخی مردم افغانستان پدیده مرکبی است با ویژگی های نیمه فنودالی و خصلت کمپرادوری (دلالی) که در علم جامعه شناسی به آن ترکیب "فنودال - کمپرادور" اطلاق می شود. در کوتاه مدت شاید جنبه نیمه فنودالی طالبان غلبه داشته باشد، ولی در درازمدت بنا بر الزامات در هم تنیدگی آن با این سرمایه و اتصال بند ناف و شرائین حیاتی آن با منابع تغذیه در بدنه سرمایه مالی، دیکته های حقوقی - اجرائی نهاد های قانونگذار سرمایه مالی و ضرورت سود آفرینی آن در غارت ثروت های طبیعی کشور ما؛ جنبه کمپرادوری طالبان در نقش کارگزار سرمایه غارتگر مالی بیرونی، بر جنبه قرون وسطایی (نیمه فنودالی) آن غلبه نهائی خواهد کرد. قبل از به قدرت رسانیده شدن گروه مزدور طالبان، در جریان مذاکرات دوحه این الزامات اقتصادی، حقوقی و اجرائی سرمایه مالی از قبیل قبول مالکیت خصوصی طبقاتی و به تبع آن نابرابری اجتماعی، خصوصی سازی، لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد مستلزم لغو حمایت گمرکی و غیابت نقش دولت در امور بازار و اقتصاد و حفظ برخی از دستاورد ها و نهاد های روبنائی نولیبرالی دوره اشغال بر طالبان دیکته شده بود و بدین وسیله این حریم آماج حملات طالبان واقع نشد و مصون ماند.

درست همین الزام است که امکان تعدیل طالبان و دمساز شدن آن با این نیاز های سرمایه مالی جهانی شده را محتمل می سازد. اعلامیه ویژه نویس نیز بدون پرداختن به این نیم رخ ماهیت طبقاتی دلالی طالبان و پیوند طبیعی و تاریخی آن با پدیده امپریالیسم، از میان دو انتخاب، از انتخاب " تعدیل سیاست، نرمش، انعطاف و عقب نشینی" توسط طالبان یاد می

کند. در نهایت، این تعدیل و انعطاف، همان استحاله کمپرادوری است که اعلامیه نویس برای اجتناب از کاربرد ترم های شناخته شده در این زمینه، قادر به استفاده از آن نیست.

هدف اعلامیه نویس از دیوار چین کشیدن میان مزدوران مرتجع طالبی، وابستگی و مزدوری اش به امریکا و جنایاتش و امپریالیسم امریکا و شرکاء در عین تلاش رسوا برای تبریئه امریکای طالب پرور، که حمایت آن از پروژه نواستعماری طالبان آفتابی است؛ با نیت پلید خلق این توهم صورت می گیرد که گویا امریکا و شرکای غربی اش علیه طالب بوده و در نهایت به مدد "نیرو ها و عناصر آگاه، نخبه، مترقی و دموکراتیک" کشور ما می شتابند. (!؟)

این تلاش مذبحانه اعلامیه نویس برای تبریئه امپریالیسم امریکاکتمان نقش جنایتکارانه آن در مسلط ساختن مجدد مزدوران طالبان بر مقدرات کشور و مردم افغانستان و ریختن آب تطهیر بر دستان خون آلود آن در عین انکار خصلت دلالی طالبان و بسته بودن دست و پای آن با زنجیر سرمایه مالی و صرفاً پدیده "قرون وسطائی" نامیدن آن، الزاماً به دلیل انکار نقش و سلطه نواستعماری امپریالیستی در کشور ما، به موضع تسلیم طلبانه ملی منجر می شود که مغاک تیره ایست به تیرگی همان چاه مذلت قبلی.

پیشنهاد تسلیم طلبانه "راه مستقل ملی، مترقی و دموکراتیک":

اعلامیه نویس با این مغالطه کاری شیدانه، اتخاذ موضع تسلیم طلبانه ملی در قبال امپریالیسم امریکا، مخدوش ساختن موضع شفاف طبقاتی ساما در تحلیل نیرو های سیاسی - طبقاتی جامعه، زدودن مرز تمایز ساما با نیرو های ارتجاعی وابسته و تنزل ساما تا سطح یک سازمان لیبرال - رفورمیست دمساز و "تعامل" پذیر با جباران و ستمگران بومی و بیرونی، در عین امید بستن به "نرمش" طالب و تکی در درگاه طالب از جایگاه یک اپوزیسیون ارتجاعی و پاسیفیست ضمن چشمداشت به الطاف استعماری امپریالیسم غدار امریکا و شرکاء، پیشنهاد تسلیم طلبانه و مسخره "راه مستقل ملی، مترقی و دموکراتیک" را مطرح می کند. "راه مستقل ملی مترقی و دموکراتیک" پیشنهادی این نماد خیانت، نه به مفهوم "بسیج و تهییج نیرو های ضد امپریالیسم و فنودالیسم" با برنامه، موضعگیری روشن و حدود و ثغور مشخص است که در نهایت نه به استقلال ملی، ترقی اجتماعی و دموکراسی برای مردم؛ بلکه به انقیاد، استبداد، سرکوب، تراج و تشدید استثمار زحمتکشان کشور ما می انجامد. این طرح رسوای بغایت سازشکارانه و بدون موضعگیری در قبال امپریالیسم و ارتجاع، به مراتب آشفته تر و مبتذل تر از آنست که ما به محتوای آن به عنوان طرحی قابل عنایت، بذل توجه کنیم. با این عدول آشکار از خط ساما، این طرح مسخره توسط گروه مرتجع مطرودی که خارج از صف ساما، صف خلق و انقلاب قرار دارد، هرگز نمی تواند دیدگاه های ملی - دموکراتیک استوار و پیگیر این سازمان را در قبال نیرو های سیاسی - طبقاتی و امپریالیسم و هکذا وظایف مبرم مبارزاتی نمایندگی کرده و یا بازتاب دهد.

مؤخره:

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)، به رویت برنامه و سائر اسناد سازمانی، به مثابه ابزار انقلاب افغانستان، از موضع یک سازمان طبقاتی و پیشاهنگ طبقه کارگر و سائر زحمتکشان کشور با ایدئولوژی تعریف شده، با مشی سیاسی مدون، با تشکیلات مبتنی بر موازین آئین نامه ئی پیشرو، به پاسخ نیاز تاریخی پیشاهنگی طبقه کارگر کشور، در تابستان سال ۱۳۵۸ شمسی، بنیان گذاشته شد.

این سازمان با سهمگیری مستقیم و جانبازانه در جنگ آزادیبخش ملی ضد سوسیال امپریالیسم روسی و شرکای بومی و غیربومی اش از موضع انقلابی، به دستاورد ها و پیروزی های چشمگیری دست یافته، کاروانی از جانبازان انقلابی و

آزادخواه، گنجینه شایگانی از افتخارات، تجارب، میراث و فرهنگ انقلابی را دارا می باشد. این شالوده های فکری - فلسفی اندیشه پیشرو عصر، بنیان مواضع ایدئولوژیک ساما را می ساخته است. خط مشی سیاسی با وظایف مرکزی سه گانه در عین حال که بیان فشرده وحدت برنامه حداقل و حداکثر این سازمان و معرف خصلت پیشرو آن است، الزاماً با تکیه این سازمان بر تقدم معنوی حزب پیشاهنگ انقلابی بر سائر ابزار انقلابی و نقش رهبری کننده آن، بیانگر موضع صریح طبقاتی و ضد امپریالیستی ساما است. بدون شک و بی اغراق، این سنگ بنای اساسی ایدئولوژیک - سیاسی همراه با ارنیه ارجمند و گرانسنگ مبارزاتی، آن برگه هویتی ایست که ساما را در جنبش انقلابی کشور و جهان تشخص می بخشد.

از بدو ایجاد بدین سو، خط اصولی انقلابی ساما همواره در مواجهه و مبارزه با دیگه ها، مواضع، خطوط و تبیین های انحرافی راست لیبرالی و "قافیه بافی" راست های چپ نما و تسلیم طلبانه و انحلال طلبانه در بخش ها و گوشه های این سازمان بوده است. می توان گفت که خط اصولی پیشرو بنیادگذاران ساما این مدت بیش از چهار و نیم دهه را نبرد کنان با خطوط انحرافی و تبیین های ایدئولوژیک، سیاسی از جمله لیبرالیسم، تسلیم طلبی و اپورتونیزم راست و "چپ" پیموده و در سطح جامعه و جنبش انقلابی و ملی - دموکراتیک از لحاظ تئوریک - سیاسی استوارانه علیه منادیان انقیاد طلبی ملی و طبقاتی رزمیده است.

تدویر جلسات معتبر، معیاری و قابل پذیرش برای اعضای سازمان و تأکيدات پیهم بر کاراکتر طبقاتی و اصالت پیشرو ایدئولوژیک سازمان در این نقاط عطف، هم دفاع پرشور از اصالت سازمان را به همراه داشته و هم راه را بر تلاش های غیرشرفانه منادیان لیبرالیسم و اپورتونیزم های راست و "چپ" برای قلب ماهیت ساما و تلاش مذبحخانه تسلیم طلبان برای دمساز ساختن این سازمان انقلابی با امپریالیسم و "تعامل" با آن، مسدود ساخته است.

در گذشته منحرفان راست و "چپ" از جاده انقلابی و آزادیخواهی به رغم "سعی بلیغ" از درون و بیرون ساما برای انحراف لیبرالی و قلب ماهیت این سازمان نتوانستند طرفی بندند و هر بار با برخورد با سد سدید این سازمان، دچار سرشکستگی و شرمساری شدند. این بار نیز تلاش بیهوده و خائنانه تسلیم طلبان مطرود خفته در آغوش پرمهر امپریالیسم غربی به دلیل انحراف آشکار از راه سرخ رنگین شده با خون سرخ مجید، رهبر و سائر جانبازان سامائی، تسلیم شدن به امپریالیسم متجاوز و همرنگ و همکاسه شدن با نیرو های ارتجاعی و مزدور؛ از این تحركات ضد ملی و ضد انقلابی برای تنزل ساما تا سطح یک سازمان لیبرالی رفورمست - پاسیفیست مؤید سلطه امپریالیستی در کشور، به سان موجی با صخره واقعیت وجودی ساما خورده و پاشان خواهد شد و اعلامیه ویژه نویسان تسلیم شده و شرکای تسلیم طلبی و خیانت شان جر سرشکستگی و شرمساری تاریخی، چیزی عاید شان نخواهد شد.

- مرگ بر ارتجاع، انحراف و امپریالیسم!

- مبارزه تا رهائی اجتماعی و ملی خلق ستمکش افغانستان!

- رهائی زحمتکشان تحت ستم کشور از انواع ستم، امر ستمکشان است!

- یا مرگ یا آزادی!

جمعی از اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

میزان ۱۴۰۲ شمسی

منابع قابل استفاده در نگارش و تدوین این اثر و مراجع مطالعاتی:

(۱) "برنامه ساما" نگارش بانی آن زنده یاد مجید و مصوب نخستین کنگره سازمان - مؤرخ

جوزای ۱۳۵۹ شمسی؛

- (۲) "روس اشغالگر در سرراشیب رسوائی و تباهی" - شبنامه ساما به خامه زنده یاد مجید - جدی ۱۳۵۸ شمسی؛
- (۳) "قطعنامه کنفرانس سرتاسری ساما" - قوس ۱۳۶۲ شمسی؛
- (۴) "گزیده آثار زنده یاد قیوم رهبر" ناشر: کمیته فرهنگی ساما، تاریخ نشر: جوزای ۱۴۰۲ شمسی؛
- (۵) "در باره برخی مسائل رهبری در سازمان ما" - از احسان، ۱۳۶۱ شمسی (نوشته درون سازمانی)؛
- (۶) "سازمان آزادیبخش مردم افغانستان در آئینه قندمای اندیشه و کردار رفیق مجید" - از زنده یاد قیوم رهبر (نوشته درون سازمانی)؛
- (۷) گزارش پلنوم ۱۳۸۰ کمیته مرکزی (پلنوم مکروریان)؛
- (۸) نامه واحد تشکیلاتی کانادا عنوانی مرکزیت وقت در نقد تسلیم طلبی مرکزیت منحرف و درخواست تدویر سومین کنگره ساما - مؤرخ ۲۵ سپتمبر ۲۰۰۳م؛
- (۹) "به سوی غلبه ساما بر تسلیم طلبی و اپورتونیسیم" - کمیته تشکیلات ساما؛
- (۱۰) "آئین نامه مصوب دومین کنگره ساما" - حمل ۱۳۷۵ شمسی؛
- (۱۱) "سیری در آفاق اندیشه" تسلیم طلبان. شماره های اول و دوم؛
- (۱۲) پروتوکول "نشست چهارگانه فعالین و کمیته مرکزی" قلبی منحرف و مطرود مؤرخ ۲۱ میزان تا ۱۱ عقرب ۱۳۹۱ شمسی؛
- (۱۳) رساله درون سازمانی «انحراف» نقدی بر پروتوکول تسلیم طلبانه «نشست چهارگانه فعالین و کمیته مرکزی» قلبی مرتد، خائن و مطرود از ساما - تاریخ نشر: ۲۵ ثور ۱۳۹۲ شمسی؛
- (۱۴) قطعنامه نشست مشترک مسؤلان و کادر های واحد اروپای ساما - مؤرخ ۱۹ جنوری سال ۲۰۰۸م؛
- (۱۵) "مشکلات، ره جوئی ها و بازسازی ساما" - نامه حاوی مواضع و دیدگاه های واحد کانادای ساما به جلسه مؤرخ دهم و یازدهم جنوری ۲۰۰۹ در اروپا؛
- (۱۶) گزارش جرگه ارتجاعی و تسلیم طلبانه اول دلو ۱۳۸۹ تسلیم طلبان؛
- (۱۷) "قطعنامه کنفرانس کادر ها و فعالین ساما - ادامه دهندگان" - مؤرخ ۱۸ ثور ۱۳۹۰ شمسی؛
- (۱۸) "نقد "ندای آزادی جدید" ناشر: «ساما - ادامه دهندگان» میزان ۱۳۹۰ شمسی (نوشته درون تشکیلاتی)؛
- (۱۹) "اندیشه، آرمان و تجدید میثاق" ناشر: کمیته فرهنگی ساما - اسد ۱۳۹۶ شمسی؛
- (۲۰) "نفیر شیدادانه" آزادی و عدالت" از گلوی تسلیم طلبان ابن الوقت» ناشر: کمیته فرهنگی ساما - میزان ۱۳۹۶ شمسی؛
- (۲۱) "خیانت و آثار حقوقی آن" - از سایت مشاوره حقوقی دینا؛
- (۲۲) "جاسوسی و خیانت به کشور" سید جعفر رحیمی - سایت پژوه؛
- (۲۳) "خیانت چیست و خائن کیست؟" - از همنشین بهار؛
- (۲۴) "دیکشنری تخصصی حقوق آبدیس"؛
- (۲۵) "در باره تضاد" - مائو تسه دون؛
- (۲۶) "مبانی و مفاهیم علم انقلاب"؛

(۲۷) "اقتصاد سیاسی بیاموزیم" - "گروه نویسندگان شانگهای". مترجم: ع. رشیدیان، تاریخ نشر: ۱۳۵۸ شمسی.

(*) «جان گو تائو» خائن به انقلاب چین بود. او در جوانی با نیت معامله گری در انقلاب شرکت کرد و سپس به حزب کمونیست چین وارد شد. او در درون حزب مرتکب اشتباهات زیادی شد که منجر به جنایات عظیمی گردیدند. بزرگ ترین اشتباه او این بود که در سال ۱۹۳۵ با راهپیمایی ارتش سرخ به شمال مخالفت کرد و دچار شکست طلبی و انحلال طلبی شد. از طرف دیگر او آشکارا به فعالیت های خیانتکارانه ضد حزبی و ضد کمیته مرکزی پرداخت، یک کمیته مرکزی قلبی را به وجود آورد، وحدت حزب و ارتش سرخ را به هم زد و به ارتش جبهه ای چهارم ارتش سرخ صدمات سخت و سنگینی وارد آورد.... جان گو تائو که دیگر قابل اصلاح نبود، در بهار سال ۱۹۳۸ به تنهایی از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا گریخته و وارد سازمان جاسوسی گومیندان گشت.»

پایان